

در گفت‌وگو با محمود قلی‌پور مترجم کتاب هیروشیما:

در شرایط فاجعه چطور محترم بمانیم



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت‌الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

ندیده. شرمساری ژاپنی در رابطه با آسیب ندیدنش دارد. حالا این کشیش دقیقاً چه نقشی در کتاب بازی می‌کند؟ نمی‌توانم بگویم کشیش نمادی از غربی‌هاست چون اتفاقاً از دل خود فرهنگ ژاپن در می‌آید و ژاپنی است و از خودشان محسوب می‌شود. شخصیت مسیحی دیگری در کتاب نیست؟ یک کشیش آلمانی هم در کتاب هست که همان نقشی را دارد که شما می‌گویید، نمادی است از غربی‌ها. او فقط دنبال این است که کلیسایش را احیا کند و شخصیت سردی در قبال فاجعه دارد. تفاوت کشیش ژاپنی و آلمانی در این است که کشیش آلمانی جز یکجا که از او کاری خواسته می‌شود، کاری نمی‌کند.

در دو سوال اخیر بیشتر بدنبال این بودم که ببینم نویسنده به عنوان شهروندی از کشور برنده، شرمندگی‌ای نسبت به مردم کشور بازنده احساس می‌کند؟

جان هرسی واقعا در کتاب حضور ندارد. یکی از این نکاتی که ناشر اصلی کتاب یعنی پنگوئن در مقدمه می‌آورد این است که نویسنده از دو موضوع پرهیز کرده که یکی همین عدم موضع‌گیری است. نویسنده در این روایت یک دوربین خنثی است و نکته دوم اینکه نویسنده در بیان رنج‌ها هم اغراق نمی‌کند. یعنی آن حالت شرمندگی که می‌گویید حداقل باید خودش را در اغراق رنج‌ها نشان دهد که فکر نمی‌کنم اینطور باشد.

بگذارید این را نپذیریم چون در خنثی‌ترین روایت‌ها هم بالاخره می‌شود رد پای رویکرد نویسنده را پیدا کرد و بالاخره کتاب را یک ربان نوشته است!

شاید در مواردی بشود ردپایش را به قول شما دید. در سه صحنه است که شرمندگی نویسنده نسبت به مردم ژاپن بروز می‌کند. یکی صحنه‌ای است که کشیش بخاطر اینکه در آمریکا درس خوانده ناراحت است و این را از مردم مخفی می‌کند. خوب بله اینجاست. صحنه دیگر هم جایی است که امپراتور از مردم بابت این فاجعه عذرخواهی می‌کند. امپراتور در ژاپن نماینده خداست و حالا دارد به یک فاجعه اعتراف می‌کند. خوب این لحظه سنگینی برای ژاپنی‌هاست و در کتاب روی آن تأکید شده که باز می‌شود گفت ردپا، اما باز ترجیح این است که کتاب را دارای رویکرد ندانم.

نمی‌شود اطلاعاتی از این کتاب گرفت و صرفاً می‌شود واقعیت آن روزهای پس از هیروشیما را بدون اینکه اطلاعات تاریخی به ما بدهد، در کتاب بخوانیم؟

نه اطلاعات تاریخی نمی‌شود از آن گرفت. روایت به هر حال روایتی داستانی است و به همین دلیل است که می‌گویم جستار و نمی‌گویم گزارش. وقتی کتاب را می‌خوانیم بیشتر فکر می‌کنیم که داریم داستان می‌خوانیم. داستان شش نفر که ماجراهای سختی را از سر می‌گذرانند. **پس اگر بدنبال اطلاعات بدست آوردن باشیم، کتاب به سمت داستان فرار می‌کند؟**

بله، یکی از این دلایل که نیویورک تایمز تصمیم گرفت کار را به جان هرسی بسپرد، این است که شش ماه اول بعد از بمباران، تمام مطالبی که منتشر می‌شد، آمار و ارقام بود. ژاپن به عنوان بازنده جنگ در این گزارش‌ها معرفی می‌شود و آمار خرابی‌ها و تلفات داده می‌شود. حالا نیویورک تایمز جان هرسی را فرستاد که اطلاعاتی راجع به زیست ژاپنی‌ها در این بحران به دست بیاورد و یا بهتر اینکه تصویر واقعی‌تری نسبت به آمار و ارقام ارائه کند. جان هرسی نگاهی انسانی به ماجرا دارد. گزارش او مقابل همه گزارش‌هایی بود که تا آن موقع منتشر شده بود. کاری که رسانه‌ها غالباً و ناخواسته می‌کردند، این بود که بگویند علم چطور توانست یک امپراتوری را به زانو در بیاورد.

با توجه به اینکه می‌گویید کتاب روایتی واقعی از آدم‌های ژاپن در آن بحران است، می‌خواهم بدانم روحیه ژاپنی‌ها چطور توصیف شده؟

ژاپنی‌ها آدم‌های از خود گذشته‌ای هستند. به خصوص در شرایط سخت - فرهنگ شینتون در ژاپن خیلی در کتاب به چشم می‌آید. یعنی اینکه آدم‌ها در چنین شرایطی چطور با ایثار رفتار می‌کنند، اینکه در شرایط فاجعه، چطور محترم بمانیم.

برای اینکه ببینیم کتاب چه دیدی به ما می‌دهد، بگوئید یکی از این شخصیت‌ها راجع به چه صحبت می‌کند؟

یکی شان کشیش است و هیچ آسیبی نمی‌بیند. مسیحیت در ژاپن دین نویی محسوب می‌شود. در واقع یک دین غربی محسوب می‌شود. این کشیش در شهر غریبه بود اما آدم خوبی است و خیلی‌ها را نجات می‌دهد. همیشه احساس شرم می‌کند که چرا در این واقعه آسیبی

امیر حسین بریمانی - تاریخ‌دانان بی‌طرف دو بر خور د با موضوع هیروشیما دارند. یکسری می‌گویند آمریکا در بمباران هیروشیما، از پشت خنجر زد، کاری کرد که در قوانین بازی پذیرفته نبود. اما عده‌ای دیگر می‌گویند هیروشیما باعث پایان جنگ شد و ادامه جنگ شاید کشیده‌های بیشتری می‌داشت تا بمباران هیروشیما! اما هر چه بود هر دو طرف بر فاجعه بودن هیروشیما توافق نظر دارند. اگر بخواهیم کتابی بدون موضوع‌گیری سیاسی راجع به این ماجرا بخوانیم، بهترین انتخاب «هیروشیما» نوشته جان هرسی است. هرسی از مطرح‌ترین خبرنگاران آمریکاست و در این کتاب روایتی از شش ماه اول پس از بمباران هیروشیما نوشته است. روایت هرسی از وقایع، گزارش و روایتی واقعی است چرا که او خود به ژاپن رفت و صرفاً بر اساس اخبار و گزارش‌های رسیده این کتاب را نوشت. بنابراین کتاب گزارشی تاریخی بر اساس اسناد و مدارک نیست، بلکه گزارش مفصلی بر پایه دیدهای عینی نویسنده است. او کتاب را اول در نیویورک تایمز منتشر کرد و بعد بصورت کتاب در آورد که استقبال بی‌ظنیری از آن شد. در گفت‌وگو با محمود قلی‌پور مترجم این کتاب به تحلیلی از نگارش نویسنده درباره واقعه هیروشیما پرداخته‌ایم با این رویکرد که کتاب «هیروشیما» واقعا موضعی ندارد یا اینکه روایتی خنثی است؟

برای شروع بگذارید پیرسوم این کتاب رمان است یا خیر. یعنی وقایع در آن دراماتیزه شده و به قصه در آمده یا واقعا گزارشی واقعی است؟

من به این نوع کتاب‌ها می‌گویم جستار. در آن از سوم شخص استفاده شده و به همه وقایع بر اساس زاویه دید شش نفر پرداخته که اینها هم آدم‌های واقعی هستند. یعنی این نوشته‌ها مستند است و قصه‌گویی نیست. تا قبل از این کتاب، هر چه راجع به هیروشیما منتشر می‌شد یا آمار و ارقام بود یا اخبار دست‌کاری شده. اما او رفت به ژاپن تا دیده‌های عینی‌اش را بنویسد. به همین دلیل کتاب بسیار انسانی‌تر و ملموس‌تر است تا کتاب‌های تاریخی راجع به این موضوع. هیچ‌کس نیامد به رنج آدم‌ها در آن اتفاق بپردازد و هرسی این کار را کرد.

یعنی اگر بخواهیم بدانیم چرا و چطور این اتفاق افتاد،

تازده‌ترین محصول سازمان سینمایی سوریه
... و بنیاد سینمایی فارابی ...



به زودی...

